

# شیرینی خاطرات

● نرگس اخیانی

درست مثل نوجوانی که در سن بلوغ چهره عوض می‌کند، قیافه‌ی مجله ناگهان تغییر کرده بود! دیگر از آن فیگورهای شماتیک سفید که به زودی جایشان را به طرح‌هایی واقعی و ملموس دادند، خبری نبود! مثل سایت‌ها و نرم‌افزارهایی که در هر نسخه‌ی جدید، گرافیک لوگوها و منوها را تغییر می‌دهند و آن موقع تازه باورمان می‌شود که با چیز نویی رو به روییم!

یاد تماشای دسته‌جمعی آلبوم عکس‌های قدیمی می‌افتم. همه و با هم به «نسخه‌های قدیمی» خودمان نگاه می‌کنیم و از تغییرات به شگفت می‌آییم که چه‌طور در عرض چند سال همه چیز به نظر قدیمی و خنده‌دار می‌آید! این خنده از سر قیاس و عدم تناسب با فضای امروزمان است و انگار از نسخه‌های جدیدمان راضی‌تر به نظر می‌رسیم!

مدرسه‌فردایی‌ها هم کاش! زود به زود به آرشپوشان بخندند؛ به همان شیرینی خاطرات...

# بذری متفاوت

● فرشته نجفی  
طراح و گرافیست سابق رشد مدرسه فردا

آن روز را خوب به خاطر دارم؛ روزی را که مشغول طراحی لوگو و یونیفرم مجله بودم و در ذهنم مجله درختی پر بار، با گل‌ها و سایه‌ای زیبا بود که حالا باید بذرش را به خوبی می‌کاشتم. در میان درختان یک شکل، بذری متفاوتی را پیدا کردم که به نظر می‌رسید به هدف نزدیک است.

اولین شماره‌ی مجله را با همکاری سردبیر، مدیر داخلی و دوستان نویسنده به چاپ سپردیم. این اولین تجربه‌ی مجله‌ای من نبود، اما احساس تولدی دیگر بود که مرا هیجان زده می‌کرد اما مدرسه‌ی فردا برای من تنها خلق یک مجله نبود، آشنایی با گروه متخصصی بود که هر کدام در حیطه‌ی کاری خود گام بر می‌داشتند و به حرفه‌ی دیگری احترام می‌گذاشتند و اعتماد می‌کردند. به زودی ریشه‌های مجله محکم شد و به بار نشست. البته در این میان حرف‌ها و حدیث‌های فراوانی، از تفاوت این درخت با سایر درختان شنیده می‌شد. از این رو جلساتی با حضور مدیران هنری، در پی نقد و بررسی مدرسه‌ی فردا داشتیم و من و سردبیر از طراحی و فضای خاص مجله دفاع کردیم و تمامی آن‌ها با حضور نام مدرسه‌ی فردا بین اسامی برگزیدگان صفحه‌آرایی در جشنواره‌ی مطبوعات ایران، به پایان رسید.